



# تعدیل اقتصادی و طبقات متوسط

احمد رضا روشن

است که ضربه اصلی از افزایش تورم را قشرهای طبقه متوسط جدید متحمل خواهند شد. یکی از تفاوت‌های طبقه متوسط جدید و طبقه متوسط قدیم این است که اولی سرمایه ندارد اما دومی حداقلی از سرمایه را برای راه‌اندازی کارهای خود دارا می‌باشد. یکی از اهداف سیاست تعدیل در آن است که قیمت کالاها را آزاد بگذارد و در میزان حقوق و دستمزد کنترلی نداشته باشد. بدین ترتیب بدیهی است که طبقه متوسط جدید نظیر کارمندان و تحصیل کرده‌ها از تورم لطمه ببینند اما طبقه متوسط قدیم نظیر کسبه و بازاریان و تولید کنندگان کوچک به سبب این که با فروش کالا سرو کار دارند حداقل به نسبت کمتر از تورم زیان خواهند دید و چه بسا بتوان گفت که از آن منتفع می‌شوند.

متأسفانه مجریان سیاست تعدیل اقتصادی در ایران نتوانستند سیاست پولی مناسبی برای دوران تعدیل در پیش گیرند و گرچه هدف تعدیل، افزایش تولید و تشویق تولید کنندگان اعلام شده بود اما تورم سرسام آور موجب نقض غرض شد.

۲- سیاست نرخ ارز: معمولاً کشورها، هنگامی به فکر تعدیل اقتصادی می‌افتند که تراز بازرگانی خارجی آنها دچار عدم تعادل شده باشد یعنی کشور از کسری شدید در بخش خارجی خود رنج ببرد. در این حالت، سیاست تضعیف پولی صورت می‌گیرد بدین ترتیب که ارزش پول داخلی در مقابل پول خارجی کم می‌شود. در نتیجه واردات کشور کاهش یافته و صادرات افزایش می‌یابد. بر اثر تضعیف پول داخلی انتظار می‌رود قیمت‌های رسمی کالاهای صادراتی، کالاهای وارداتی و کالاهای جایگزین واردات زیاد شود این امر البته بر تورم اثر خواهد گذاشت و همان گونه که در قسمت قبل گفته شد گروه‌های جدید طبقه متوسط را متضرر خواهد نمود. اما افزایش قیمت کالاهای صادراتی ممکن است وضع تولید کنندگان متوسط و کوچک را که در قسمت کالاهای صادراتی تولید مشغول به کار هستند بهتر کند، وضع فروشندگان و کسبه نیز که از قبل معلوم است و انتظار می‌رود وضع این عده به جهت

بی‌تردید، تعدیل اقتصادی توزیع درآمد را متأثر خواهد کرد. این مجموعه سیاست‌ها می‌کوشد با تغییر دادن قیمت‌های نسبی، انگیزه‌های تولید کنندگان را تغییر دهد و بدین ترتیب بر تخصیص منابع اثر بگذارد. به عنوان مثال، با افزایش قیمت محصولات کشاورزی انگیزه تولید کنندگان این بخش افزایش یافته و توزیع درآمد به سود روستاییان و به ضرر شهرنشینان چرخش خواهد کرد. تعدیل اقتصادی همه بخش‌ها و زیر بخش‌های اقتصادی را متأثر خواهد کرد و می‌تواند روابط چیره بر کل اقتصاد را دگرگون کند.

به ناچار، به دنبال سیاست‌های تعدیل گروهی منتفع می‌شوند و گروهی متضرر، به همین جهت مسئله توزیع درآمد و تحقق اهداف برنامه‌های تعدیل درهم تنیده می‌شوند یعنی اینکه برنامه تعدیل بدون توجه به آثار توزیعی امکان پذیر نیست و از طرفی تا توزیع مجدد درآمد صورت نگیرد امکان تحقق اهداف تعدیل اقتصادی وجود ندارد. تعدیل اقتصادی از جنبه‌های مختلفی می‌تواند توزیع درآمد را متأثر سازد.

۱- سیاست پولی: بیشک بسیاری از مشکلات اقتصادی جامعه از عملکرد بد سیستم پولی ناشی می‌شود تورم آشکارا یک پدیده پولی است و همواره همپای افزایش حجم نقدینگی، تورم نیز افزایش یافته است. طی چند دهه گذشته نرخ رشد تولید گاه منفی، گاه مثبت و حداکثر سالانه حدود ۱۰ درصد بوده اما نرخ رشد حجم نقدینگی سالانه حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد تحقق یافته و تقریباً هر چهار سال یک بار با دو برابر شدن حجم نقدینگی، شاخص تورم نیز دو برابر می‌شده است.<sup>۱</sup> به عنوان مثال، حجم نقدینگی در سال‌های ۶۸ و ۷۲ به ترتیب ۱۸۷۵۳/۳ و ۴۸۱۳۵/۱ میلیارد ریال بوده<sup>۲</sup> و شاخص عمومی قیمت خرده‌فروشی (۱۳۶۹=۱۰۰) برای این دو سال به ترتیب ۹۱/۸ و ۱۸۴/۴ درصد بوده است.

البته با توجه به گروه‌های تشکیل دهنده طبقه متوسط، آشکار

افزایش قیمت کالاها بهبود یابد.

## آثار اجتماعی - سیاسی تعدیل اقتصادی بر روی طبقه

### متوسط

هر موضوعی که به انسان و اجتماع مربوط می شود ابعاد پیچیده‌ای به خود می گیرد به همین دلیل کمتر بحث اجتماعی است که استثناء ناپذیر باشد و بتوان راجع به آن قانون عام صادر کرد. اقتصاد نیز چون علمی اجتماعی است تبعات خود را محدود به حوزه اقتصاد نمی کند بلکه آثار آن را در زمینه‌های دیگر جامعه می توان مشاهده کرد. به عنوان مثال یک سیاست اقتصادی می تواند آثار اجتماعی و سیاسی داشته باشد و سیاستگذار

در صورتی که کالاهای جانشینی واردات بیشتر توسط کارخانجات بزرگ یا مزارع بزرگ تولید شود این سیاست موجب افزایش درآمد طبقات متوسط تولیدکننده نخواهد شد اما اگر تولید کالاهای جانشینی واردات در دست کارگاههای کوچک و متوسط باشد انتظار می رود درآمد این گروه از طبقه متوسط در اثر تضعیف پول داخلی افزایش یابد.

**۳- سیاست مالی:** یکی از اهرمهای اساسی موفقیت تعدیل اقتصادی، سیاست های مالی است. به عنوان ابزاری از سیاست های مالی، تقلیل تقاضای دولتی که بزرگترین متقاضی اقتصاد است، چه در بخش خارجی و چه در بخش داخلی، میزان جذب را کاهش داده و به دنبال کاهش کسری بودجه تورم نیز کاهش می یابد چرا که به طور معمول در کشورهای توسعه نیافته کسری بودجه دولت از طریق انتشار پول تأمین می شود. در اثر سیاست های مالی ناشی از تعدیل قاعدتاً بایستی ساختار هزینه های دولت نیز تغییر نماید به عنوان مثال شکل و حجم سوبسیدهای دولتی باید کاهش یابد و چون منافع سوبسید بیشتر شامل طبقات متوسط می شود در نتیجه قطع و یا کاهش آنها فشار نسبتاً زیادی بر این طبقات وارد می آورد. البته باز مشخص است که بین قشرهای متفاوت طبقه متوسط این فشار یکسان نیست و گروهی که درآمد آنها همپای تورم و یا بیشتر است از افزایش قیمت کالاها یارانه ای هراسی ندارند.

**۴- سیاست های درآمدی:** یکی دیگر از سیاست های تعدیل، کاهش و یا جلوگیری از افزایش واقعی هزینه های دستمزد و حقوق توسط دولت است. کاهش هزینه حقوق و دستمزد پرداختی توسط دولت از طریق مهار نرخ دستمزد و حقوق کارکنان دولت و یا اخراج آنان صورت می گیرد. در موقع اخراج کارکنان دولت، گروه های درآمدی پایین با حداقل مهارت اولین کسانی هستند که اخراج می شوند. این گروه به دلیل مهارت پایین به بخش غیر رسمی اقتصاد روی می آورند و موجب کاهش دستمزد در این بخش می شوند. حتی اگر این گروه کارمندان اخراجی از گروه های درآمدی روبه بالا باشند، باز به هر حال بر بازار کار فشار وارد می شود.

در حوزه درآمدهای دولت، تغییر در پایه و نرخ مالیاتی بسته به اینکه این تغییر شامل چه کسانی گردد اثرات متفاوتی بر گروه های طبقه متوسط دارد. ممکن است تجار و کسبه که راه های متعددی برای اختفای درآمد واقعی خود دارند با تشدید قوانین مالیاتی و کاهش راه های فرار، در موقعیت نامناسب قرار بگیرند اما معمولاً چنین نمی شود چرا که به خصوص در ایران، نظام مالیاتی باید به لحاظ ساختاری تغییر کند که این نیز همت والایی می طلبد. همچنین تغییر در نرخ مالیاتی بی شک قبل از همه گریبان طبقه متوسط جدید را خواهد گرفت چرا که معمولاً درآمد این عده را دولت می پردازد و البته قبل از پرداخت آن، حق خود را (مالیات بر حقوق) به راحتی کسر می کند. اما در مورد گروه های دیگر طبقه متوسط وضع چنین نیست.



اقتصادی نباید از وجود آن غافل باشد.

تعدیل اقتصادی نیز از این امر جدا نیست. تعدیل اقتصادی بر ساختارها تأثیر می‌گذارد و همه مردم را به نوعی در خود درگیر می‌کند و بر سایر حوزه‌های جامعه نیز تأثیر می‌گذارد.

تعدیل از راه تغییر قیمت‌های نسبی و تغییر درآمدها ممکن است بر رفتارهای اجتماعی افراد نیز تأثیر گذارد. به عنوان مثال، انتظار می‌رود به سبب کاهش در آمد ثابت کارمندان و کاهش قدرت خرید آنها، گرایش به فساد اقتصادی افزایش یابد. در چنین شرایطی شخص مجبور می‌شود برای جبران کاهش قدرت خرید خود به منابع درآمدی دیگری روی آورد و ممکن است این امر به قدری گسترش یابد که برای ارباب رجوع، عادی شده و او گمان برد که بدون پرداخت رشوه کار او درست نمی‌شود.

از طرف دیگر کاهش قدرت خرید طبقه متوسط جدید ممکن است آنها را به کم کاری سوق دهد. شخص هنگامی که احساس می‌کند مزد و حقوق او متناسب با هزینه‌ها و یا میزان تلاشش نیست و جدان کاری را فراموش می‌کند و از هر راهی که بتواند از زیر بار کار و مسئولیت شانه خالی می‌کند و ساعات مفید کار اداری کاهش می‌یابد. همچنین با چند شغله شدن این گروه از افراد، کیفیت خدمات عمومی نیز کاهش می‌یابد.

بیکاری هم جزو عواملی است که ناهنجاری اجتماعی را دامن می‌زند. تعدیل اقتصادی در میانی خود تأکید دارد که تعدیل نیروی انسانی هم صورت گیرد بدین معنی که برای افزایش بهره‌وری نیروی کار باید شمار زیادی از کارکنان در بخش‌های مختلف اقتصادی از کار کنار گذاشته شوند. بیکاری این عده احتمال ارتکاب جرم و گسترش انواع فساد را افزایش می‌دهد و معمولاً این عده در بخش‌های غیر رسمی<sup>۱</sup> و غیر تولیدی مشغول به کار می‌شوند.

با کاهش درآمد واقعی افشار رو به پایین طبقه متوسط و زیر خط فقر قرار گرفتن آنها، بر شمار افراد فقیر و کم درآمد جامعه افزوده می‌شود و نامناسب بودن شرایط زندگی برای آنها، احتمال گسترش ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی را افزایش می‌یابد. همچنین میزان پرخاشگریها در جامعه زیاد می‌شود و مردم بسا کوچکترین بهانه‌ای ممکن است با هم درگیر شوند.

هدف علم اقتصاد همواره این بوده است که راهی برای تخصیص بهینه منابع محدود بیابد: گاه از طریق روش‌های برنامه‌ریزی و کنترل دولتی و گاه با استفاده از سازو کار بازار. طی چند سال گذشته، البته رویکرد دوم چه در سطح جهان و چه در سطح ایران رونق یافته است. ناکارآمدی دخالت دولت در اقتصادهای سرمایه‌داری از یک طرف و فروپاشی بلوک شرق از طرف دیگر بر این گرایش دامن زد. بازاری کردن اقتصاد، در قالب سیاست‌های موسوم به تعدیل اقتصادی رواج یافت و در دهه‌ها کشور جهان تجربه شد.

گفته می‌شود تعدیل اقتصادی معمولاً پس از بروز بحران‌ها و تکان‌ها (شوک‌های) مختلف اقتصادی نظیر رکود تولید پس از

جنگ و یا افزایش شدید قیمت انرژی صورت می‌گیرد تا عدم تعادل‌های ایجاد شده در زمینه عرضه و تقاضا را تعدیل نماید. این مجموعه سیاست‌های اقتصادی برای اجرا از ابزارهای پولی، مالی، ارزی و درآمدی بهره‌می‌گیرد و با کمک آنها درصد رفع تنگنای تولید و کسری‌های داخلی و خارجی است.

برای دستیابی به تعدیل اقتصادی باید از دو مسیر که هر دو اهمیت یکسانی دارند وارد شد یکی اصلاحات ساختاری که ناظر بر بخش تولید و رفع تنگنای آن نظیر اختلال قیمت‌هاست و دیگری تثبیت اقتصادی که بر کنترل تقاضا به هنگام اجرای تعدیل از طریق سیاست‌های پولی و مالی مناسب و کنترل تورم تأکید دارد. یک برنامه تعدیل موفق باید تثبیت اقتصادی را قبل و یا همراه با اصلاحات ساختاری انجام دهد چیزی که در ایران مورد غفلت قرار گرفت.

بر اساس بررسی انجام شده<sup>۲</sup> در مورد ۸۹ کشور در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۷۱، این مطلب به اثبات رسیده است که کشورهایی دارای متوسط نرخ رشد بالایی بوده‌اند که خصوصیات اقتصادی نظیر متوسط نرخ رشد تورم پایین‌تر، متوسط نرخ انبساطی پولی پایین‌تر، تقلیل بیشتر متوسط نرخ ارز واقعی مؤثر و متوسط وضعیت مالی بهتر را دارا بوده‌اند.

اقتصاد ایران در سال‌های آخر جنگ در وضعیتی قرار گرفته بود که پس از جنگ می‌بایست به تعدیل روی آورد. از اواخر سال ۱۳۶۴ همزمان با تشدید جنگ، قیمت نفت در بازارهای جهانی روبه کاهش نهاد و صادرات نفت خام ایران نیز تحت تأثیر صدمات جنگ سیر نزولی یافت و بدین ترتیب اقتصاد کشور با معضل تنزل شدید درآمدهای ارزی مواجه گشت. در سال ۱۳۶۴، درآمدهای حاصل از فروش نفت ۵۷/۲ درصد نسبت به رقم سال ۶۳ کاهش یافت و درصد سال ۱۳۶۵ باز هم کمتر شد و به ۶ میلیارد دلار رسید. پس از آن تا چند سال اگر چه با افزایش قیمت نفت درآمد ارزی کشور در سال‌های ۶۶ و ۶۷ افزایش یافت و به ترتیب ۹/۲ و ۷/۶ میلیارد دلار رسید ولی هرگز این درآمدها به ارقام قبل از سال ۶۵ نرسید.

در دوره قبل از برنامه تعدیل، کاهش درآمد ارزی ناشی از کاهش قیمت و صادرات نفت و همچنین افزایش هزینه‌های دولت که عمدتاً ناشی از افزایش هزینه‌های جاری و هزینه‌های جنگ بود موجبات کسری شدید بودجه را فراهم آورد به طوری که در سال ۶۷ کسری مذکور با حجم بی‌سابقه‌ای معادل ۲۱۲۵/۲ میلیارد ریال شد و بیش از ۵۷ درصد بودجه کلی دولت را تشکیل داد. به علاوه، با توجه به اینکه سهم عمده‌ای از کسری بودجه دولت از منافع داخلی و آن هم از محل منابع بانک مرکزی تأمین می‌شد به موازات افزایش کسری بودجه دولت از منابع داخلی و آن هم از محل منابع بانک مرکزی تأمین می‌شد به موازات افزایش کسری بودجه، بر حجم بدهی‌های دولت به بانک مرکزی افزوده شد به طوری که از رقم کسری بودجه دولت در سال ۶۷، ۲۰۲۴/۵ میلیارد ریال آن از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین شد که در

جدول ۱- طبقه متوسط ایران براساس تفکیک شغلی

۱۱۰۲۵۰۶۶۲	کل شاغلان کشور در سال ۶۵
۴۸۵۷	متخصصان کارشناسان و تکنیسین‌ها
۷۲۰۱۵۵	مهندسان، کارشناسان و تکنیسین‌های وابسته
۲۰۷۷۹	هوابوردان و دریانوردان
۱۶۴۹۵	زیست‌شناسان و متخصصان کشاورزی
۱۲۰۶۱۰	بزرگان، دندانپزشکان، دامپزشکان و...
۴۴۵۳	آمارشناسان، ریاضی‌دانان و تحلیل‌گران
۲۰۲۵۷	متخصصان امور اقتصادی، بازرگانی و مالیاتی
۱۷۳۸۶۲	حسابداران
۱۱۰۶۴۹	حقوق‌داران
۵۶۸۴۰۹	معلمین و مدرسین
۲۸۰۷۸۲	روحانیون و کارکنان امور مذهبی
۳۰۹۲۵	مؤلفان، روزنامه‌نگاران و...
۲۲۰۱۱۸	مجمعه‌سازان، نقاشان، عکاسان و ...
۳۰۸۴۰	آهنگسازان، هنرپیشگان و ...
۴۰۲۴	ورزشکاران حرفه‌ای و کارکنان امور ورزشی
۱۳۸۵۳	کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی طبقه‌بندی نشده
۷۰۵۵۹	قانون‌گذاران و کارمندان عالی رتبه
۳۶۰۸۰	مدیران به جز مدیران کل
۲۴۰۴۹۲	رؤسا و سرپرستان امور دفتری
۱۴۵۰۸۳۲	کارمندان اجرایی و دفتری
۲۴۰۵۱۸	تدوین‌سازان، ماشین‌نویسان و منگنه‌زنان
۲۷۰۸۶۲	صندوق‌داران
۴۷۲	متصدیان کار با ماشین‌های رایانه
۲۲۰۳۳۰	رؤسا و سرپرستان امور حمل و نقل و...
۲۰۰۴۶۴	کارکنان دفاتر پستی و تفکیک و توزیع
۲۳۰۲۵۱	کارکنان باجه‌های مخابراتی
۶۹۰۲۶۲	کارمندان دفتری طبقه بندی نشده
۱۸۹۰۸۸۹	دانشجویان <sup>(۱)</sup>
۳۰۶۸۹	مدیران و سرپرستان فروش
۵۲۰۱۳۳۰	فروشنده‌گان مالک
۱۲۰۹۱۷	مأموران خرید
۲۱۰۵۲۶	کارکنان بنگاه‌های معاملات املاک و...
۱۷۸۰۹۹۶	فروشنده‌گان
۳۰۴۶۱	کارکنان فروش طبقه‌بندی نشده
۲۲۰۱۵۷	مدیران دستوران هتل‌ها، رستورانها، کافه‌ها
۴۶۰۳۳۶	• آشپزها
۷۰۸۴۳	• لباس‌شوینان، خشک‌شویان و اطوکنی‌ها
۴۰۰۵۱۱	• آرایش‌گرها و کارکنان گرمابه‌ها
۳۰۷۶۱	• سایر کارکنان خدماتی
۱۰۶۲۵	• مدیران و سرپرستان بهره‌بردارهای کشاورزی
۱۰۴۱۲	• جنگل‌داران و جنگلیانان
۲۰۰۳۵۶	• ماهیگیران و شکارچیان و کارکنان مربوطه
۰۰۰۶۹۱۳	• چوب‌سازان و کاغذسازان
۴۰۷۱۳	• دباغان و آماده‌کنندگان پوست
۱۴۰۰۰۰	• خیاطان، دوزندگان و روبه‌کشان میل و صندلی
۸۲۰۲۱۱	• کفش‌داران و سازندگان محصولات چرمی
۱۲۰۱۸۳	• سنگبران و سنگ تراشان
۱۳۵۰۴۱۲	• آهنگران، تراشکاران و ماشین‌بازار کاری
۱۸۶۰۲۱۳	• لوله‌کنان، جوشکاران و ورق‌کاران
۱۱۰۰۲۳	• جواهرسازان و زرگران
۸۰۰۱۱۴	• نیشه‌گران، سفالگران و آجرسازان
۶۷۰۱۹۶	• نقاشان و رنگ‌کاران
۱۰۱۷۴۰۶۱۰	• بنایان، گچ‌کاران و سایر کارکنان ساختمانی
۶۰۳۰۱۷۶	• کارکنان و رانندگان وسایط نقلیه

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵

حدود ۵ برابر رقم مشابه سال ۵۶ است. افزایش حجم بدهی‌های دولت به بانک مرکزی موجبات افزایش بیش از حد پایه پولی و نقدینگی در جامعه را به وجود آورد و در پایان سال ۶۷، حجم نقدینگی به ۱۵۶۸۸ میلیارد ریال رسید. رقم مشابه سال ۵۶، ۲۱۳۹/۴ میلیارد ریال بوده است یعنی ظرف ۱۱ سال نقدینگی در کشور بیش از ۷ برابر افزایش یافته است و این قاعدتاً بر تورم دامن زد چنانکه در سال ۶۶ و ۶۷ شاخص قیمت‌ها به ترتیب حدود ۲۸ و ۲۹ درصد بود. چنین توری تا قبل از این سال‌ها و پس از انقلاب بی سابقه بود. تولید ناخالص داخلی نیز در بعضی سالها درجا می‌زد و در بعضی سالها حتی پسرفت داشت به طوری که تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۶۱، در سال ۶۷ تقریباً برابر با تولید سال ۵۳ است. مشکل دیگر در سال‌های قبل از تعدیل سیستم چند نرخ ارز بود که اولاً تخصیص بهینه منابع را بر هم می‌زد در ثانی موجب رانت جویی کسانی می‌شد که از طریق رابطه به این منابع دست می‌یافتند تا قبل از سال ۶۸ بیش از ده نوع ارز با قیمت‌های مختلف به افراد و سازمان‌ها واگذار می‌شد.

از موارد دیگر نارسایی در سیستم اقتصادی افت پس انداز و تشکیل سرمایه است. در سال ۶۷ نسبت تشکیل سرمایه خالص به تولید ناخالص داخلی به ۳/۸ درصد رسید و این در حالی است که این رقم در سال ۵۶ معادل ۲۸/۵ درصد بود. همچنین نرخ رشد جمعیت در دهه ۶۵-۵۵ به ۳/۹ درصد رسید و بیکاری از ۹۵ درصد در سال ۵۷ به ۱۵/۲ درصد در سال ۶۸ افزایش یافت.

در مورد توزیع درآمد از مشاهده جدول‌های مقاله حاضر نمی‌توان روند مشخصی را در سال‌های قبل از برنامه تعدیل (قبل از سال ۶۸) تشخیص داد. به عنوان مثال ضریب جینی در کل کشور (جدول ۱) طی سال‌های ۶۵، ۶۶، ۶۷ به ترتیب ۰/۴۶۶، ۰/۴۶۶ و ۰/۴۶۶ بوده است. (در سال ۶۳ این رقم ۰/۴۵۳ و در سال ۶۴، ۰/۴۵۲ بوده است) اما شاید به طور کلی بتوان گفت که طی این سال‌ها هنگام رکود اقتصادی و کاهش رشد تولید و درآمدهای نفتی، توزیع درآمد از وضعیت مناسب‌تری برخوردار می‌شده است به عنوان مثال طی سال‌های ۶۷-۶۵ که اقتصاد با افت شدید درآمدهای ارزی و تولید مواجه بود ضریب جینی رویه کاهش نهاد و همچنین سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد طی این سال‌ها افزایش یافت و از ۱۲/۷۱ در سال ۶۵ به ۱۴/۲۱ در سال ۶۷ رسید و برعکس سهم ۲۰ درصد خانوارهای با درآمد بالا طی همین سال‌ها از ۴۹/۳۹ به ۴۸/۸۶ کاهش پیدا کرده است.

در هر حال برنامه تعدیل اقتصادی طی برنامه اول در ایران به اجرا گذاشته شد و برخی نتایج آن به شرح زیر است: متوسط رشد سالانه ۷/۳ درصد (هدف برنامه ۸/۱ درصد)، رشد متوسط تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۱۳/۳ درصد (هدف برنامه ۱۱/۶ درصد) نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در سال ۷۲، ۴/۳ درصد (هدف برنامه ۸/۴ درصد) - متوسط سالانه نقدینگی طی سال‌های ۷۲-۶۸، ۲۵/۱ درصد (هدف برنامه ۸/۲) - متوسط رشد سالانه تورم ۱۸/۸ درصد (هدف برنامه ۱۴/۴ درصد) و همچنین حدود

جدول ۲- گسترده و ترکیب طبقه متوسط جدید در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)

تعداد	گروه شغلی
۳۴,۴۰۰	- کل تحصیل کرده‌های متخصص
۶,۸۰۰	- مهندسی و تحصیل کرده‌ها در رشته علوم طبیعی
۹,۵۰۰	- پزشکان و مشاغل مربوط
۳,۸۰۰	- عالمان اجتماعی و مشاغل مربوطه
۴,۳۰۰	- وکلا و قضات
۱۰,۰۰۰	- تکنیسین‌ها در رشته مختلف
۲۱۹,۰۰۰	- کل کارمندان اداری
۱,۷۰۰	- مقامات مافوق
۹,۷۰۰	- مدیران
۱۶۷,۰۰۰	- کارمندان دفتری
۱۷۵,۰۰۰	- کل روشنفکران
۱,۰۰۰	- نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نویسان
۳,۷۰۰	- استادان دانشگاه‌ها
۵۹,۴۰۰	- معلمان مدارس ابتدایی
۲۱,۸۰۰	- دبیران دبیرستان‌ها
۶۰,۰۰۰	- دانشجویان در ایران
۲۰,۰۰۰	- دانشجویان در کشورهای خارجی

منبع طبقه متوسط جدید در ایران - حسین ادیبی - صفحه ۹۵

جدول ۳ - سهم هر یک از گروه‌های اصلی هزینه ناخالص سالانه خانوارهای شهری نسبت به کل هزینه طبقات مختلف درآمدی طی سال ۱۳۶۸

گروه‌های اصلی هزینه	طبقه پایین	طبقه متوسط	طبقه بالا
۱- خوراک و دخانیات	۴۱/۳	۲۲/۱	۲۸/۰
۲- پوشاک	۵/۵	۹/۷	۱۱/۶
۳- مسکن، آب، سوخت و روشنایی	۳۸/۸	۲۹/۲	۲۲/۲
۴- لوازم و اثاثیه خانه	۳/۶	۵/۳	۷/۱
۵- درمان و بهداشت	۲/۷	۲/۹	۲/۹
۶- حمل و نقل و ارتباطات	۲/۸	۴/۳	۹/۴
۷- تفریح، تحصیل، مطالعه	۱/۲	۱/۷	۲/۲
۸- کالاهای و خدمات متفرقه	۴/۱	۴/۹	۵/۸

جدول ۴ - سهم هر یک از گروه‌های اصلی هزینه ناخالص سالانه خانوارهای شهری نسبت به کل هزینه طبقات مختلف درآمدی طی سال ۱۳۷۱

گروه‌های اصلی هزینه	طبقه پایین	طبقه متوسط	طبقه بالا
۱- خوراک و دخانیات	۳۸/۶	۳۷/۱	۲۱/۷
۲- پوشاک	۶/۷	۹/۸	۱۰/۶
۳- مسکن، آب، سوخت و روشنایی	۳۶/۷	۲۰/۷	۲۴/۵
۴- لوازم و اثاثیه خانه	۴/۷	۶/۳	۷/۷
۵- درمان و بهداشت	۳/۰	۳/۲	۴/۶
۶- حمل و نقل و ارتباطات	۳/۳	۲/۷	۱۱/۶
۷- تفریح، تحصیل، مطالعه	۱/۴	۲/۱	۲/۷
۸- کالاهای و خدمات متفرقه	۵/۸	۶/۱	۷/۹

جدول ۵ - نسبت درصد مقدار مصرف چند قلم کالای سهمیه‌ای خوراکی به کل مصرف طی سال‌های ۱۳۶۳-۷۱

مواد خوراکی	۱۳۶۳	۱۳۶۸	۱۳۷۰	۱۳۷۱
قندو شکر	۹۳/۴	۸۹/۶	۷۸/۹	۶۵/۱
روغن نباتی	۸۴/۲	۶۸/۰	۶۱/۷	۴۹/۹
شیرخشک	۹۷/۶	۵۶/۵	۳۹/۷	۳۷/۱
بسیر	۸۲/۵	۵۵/۳	۳۲/۳	۱/۲
نخمر مرغ	۹۵/۱	۷۳/۷	۳۲/۷	-
برنج	۶۱/۶	۲۵/۱	۱۲/۲	۸/۸
گوشت قرمز	۵۴/۴	۲۷/۸	۱۲/۸	۹/۲
کره	۸۱/۴	۵۷/۰	۱۲/۶	۰/۸
مرغ	۸۸/۴	۵۲/۸	۱۲/۰	-

منبع: رتبه‌بندی - شماره: ۱۴ و ۱۵ پاییز و زمستان ۱۳۷۱ - ص ۸۳

جدول ۶- شاخص نابرابری توزیع درآمد بین خانوارهای شهری (۷۱ - ۱۳۶۷)

خانوارها / سال	۱۳۶۷	۱۳۷۱
۴۰٪ خانوارهای با درآمد پایین	۱۳/۶	۱۴/۷
۴۰٪ خانوارهای با درآمد متوسط	۴۱/۹	۴۱/۶
۴۰٪ خانوارهای با درآمد بالا	۴۴/۵	۴۲/۷

منبع: مستندات برنامه دوم توسعه - جلد یازدهم - سازمان برنامه و بودجه - ۱۳۷۳

۳۰ میلیارد دلار بدهی خارجی گرچه قرار بود که برنامه تعدیل کماکان طی برنامه پنج ساله دوم نیز به اجرا در آید اما دلایل چندی در بهار ۷۴ بر آن مهر توقف نهاد از جمله افت رشد اقتصادی، تورم سرسام آور، از کنترل خارج شدن نرخ ارز، فشار بدهی‌های خارجی و... در هر حال اقتصاد نتوانست گام‌های استواری در جهت قرار گرفتن در مسیر رشد بلند مدت بردارد. واسطه‌گری، رونق موقت تولید صنعتی را کنار زد. دست مالیات از بخش خدمات همچنان کوتاه ماند و توزیع درآمد چشم اندازهای نگران کننده‌ای را نشان می‌داد. در بین طبقات اجتماعی، طبقه متوسط به طور کلی نتوانست از سیاست‌های انجام شده طی سال‌های ۷۲-۶۸ انتفاع لازم را کسب کند. طبق جدول ۳، سهم ۴۰ درصد خانوارهای با درآمد متوسط که طبق فرض ما طبقه متوسط ایران را تشکیل می‌دهد. از درآمد ملی از ۳۸/۱ درصد در سال ۶۸ به ۳۷/۶ درصد در سال ۷۲ کاهش یافت. البته طبق جدول ۵، ۲۵٪ مرکز آمار ایران طی سال‌های ۷۰-۱۳۴۷، طبقه متوسط بیشترین سهم از درآمد ملی را در سال ۶۹ کسب کرده است اما این وضع دیری نپایید و در آخر دوره کاهش یافت.

از جدول ۳ و ۵ سهم ۴۰ درصد خانوارهای با درآمد متوسط به صورت زیر قابل استخراج است.

سال	۱۳۶۸	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
سهم ۴۰ درصد متوسط	۳۸/۱۳	۳۷/۸۳	۳۸/۶۸	۳۷/۶

(آمار سال ۶۹ آورده نشده است.)

با فرض صحت آمار فوق نتیجه گرفته می‌شود که طی برنامه اول سهم طبقات متوسط و همچنین خانوارهای با درآمد بالا به نفع طبقه پایین جامعه کمتر شده است و ضریب جینی از ۰/۴۰۹ در سال ۶۸ به ۰/۳۹۸ در سال ۷۲ کاهش یافته و این طبیعتاً گامی است در جهت عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد. از جدول ۴ هم می‌توان این نتیجه‌گیری را تأیید کرد بر طبق این جدول افزایش درآمد خانوارهای با درآمد متوسط دهک‌های پنجم تا هشتم و خانوارهای با درآمد بالا دهک‌های نهم و دهم از سال ۶۸ تا ۷۲ به قیمت ثابت سال ۶۹ حدود ۲۹ درصد افزایش داشته است در حالی که خانوارهای کم درآمد دهک‌های اول تا چهارم در همین مدت افزایش درآمدی معادل ۴۰ درصد داشته‌اند یعنی وضع گروه اخیر نسبت به دو گروه دیگر بیشتر، بهتر شده است.

در مورد خاص طبقه درآمدی متوسط از جدول‌های ۴ و ۶ نتیجه می‌شود که میانگین درآمد طبقه متوسط دهک‌های پنجم تا هشتم در سال ۶۸ به قیمت جاری ۲۳۰۸۷۸۷ ریال و هزینه متوسط ناخالصی یک خانوار شهری در همین سال ۲۴۱۴۶۵۶ ریال بوده است. یعنی درآمد میانگین خانوار طبقه متوسط ۵ درصد کمتر از هزینه میانگین خانوار شهری در کل مناطق شهری کشور بوده است، در حالی که در سال ۷۲، میانگین درآمد طبقه متوسط به قیمت جاری به ۳۹۹۹۸۱ ریال و متوسط هزینه یک خانوار شهری به ۶۳۷۶۱۲۰ ریال رسیده که تفاوت این درآمد- هزینه به ۷ درصد افزایش یافته و این خود دلیل دیگری بر افت





قدیم ۱۵ درصد از کل نیروی کار شاغل کشور را تشکیل می‌داده‌اند چنانچه بپذیریم این نسبت‌ها کم‌کم ادامه دارد و این که این دو تقریباً وزن یکسانی از لحاظ جمعیت شاغل دارند، می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت که واقعاً کدام یک از این دو گروه از موقعیت نسبی مناسب‌تری در طول دوره تعدیل برخوردار بوده است. جدول ۱۰، متوسط حقوق و مزایای کارکنان دولت را که بدنه اصلی طبقه متوسط جدید را به وجود می‌آورد نشان می‌دهد. این جدول شامل شاخص تورم، نرخ تورم، متوسط حقوق و مزایا براساس شاخص هزینه زندگی (که نشان دهنده حقوق کارمندان به ترتیبی است که قدرت خرید آنها در سطح سال ۵۸ حفظ شود) و متوسط حقوق و مزایا در وضع موجود (یعنی آنچه که به آنها در عمل پرداخت می‌شود) می‌باشد. طبق این جدول از سال ۵۸ تا ۶۸ مدام شکاف بین درآمد پرداختی به کارمندان با آنچه که باید به آنها پرداخت شود تا قدرت خرید آنها را ثابت نگاه دارد افزوده شده است.

به عنوان مثال در سال ۶۶، متوسط حقوق پرداختی ۵۵۶۷۲ ریال بوده اما به قدرت خرید سال ۵۸ باید به آن‌ها ۱۲۷۰۵ ریال پرداخت شود یعنی ۳۵۳٪ ریال کمتر (باشکاف ۱۲۸ درصد) این شکاف در اوج خود در سال ۶۸ به ۱۹۴ درصد می‌رسد یعنی حقوق پرداختی در این سال را تقریباً باید سه برابر کرد تا قدرت خرید کارمندان ثابت بماند. این شکاف در سال‌های ۶۹ تا ۷۱ به ترتیب ۱۷۰ درصد، ۱۰۴ درصد و ۸۱ درصد بوده است و گرچه درصد شکاف رفته رفته کاهش یافته است اما هنوز تا جایی که افزایش درآمد بتواند قدرت خرید را ثابت نگاه دارد فاصله زیادی وجود دارد. تازه این در صورتی است که فرض کنیم خواهان افزایش درآمد واقعی نیستیم بلکه تنها می‌خواهیم قدرت خرید سال ۵۸ را حفظ کنیم.

البته افزایش درآمد طی سال‌های ۷۱-۶۸، به گونه‌ای است که تورم طی این سال‌ها را می‌پوشاند اما وجود اختلاف حتی در سال ۷۱ نشانگر وخامت اوضاع درآمدی کارمندان در سال‌های قبل از تعدیل است و هنگامی که می‌بینیم سهم طبقه متوسط از درآمد ملی طی سال‌های ۶۸ تا ۷۲ از ۳۸/۱ درصد به ۳۷/۶ درصد کاهش

وضعیت طبقه متوسط طی دوره مورد بررسی است. البته این در حالی که طبقه جداول ۷ و ۸، درصد افزایش درآمد یک خانوار شهری نمونه بیشتر از درصد افزایش هزینه اوست. (۲۴/۲ درصد در مقابل ۲۶/۴). لازم به یادآوری است که در مجموع، اقتصاد کشور طی برنامه اول به سبب رشد اقتصادی سالانه حدود ۷ درصد و رشد درآمد سرانه، از لحاظ رفاهی بالاتر از قبل از برنامه قبل قرار گرفت و قاعدتاً باید انتظار داشت که وضع همه مردم در کل از لحاظ رفاهی بالاتر از قبل از برنامه باشد. همان گونه که از جدول ۹ مستفاد می‌شود درصد خانوارهای استفاده کننده از تسهیلات و لوازم زندگی طی سال‌های ۷۲-۶۸ در مناطق شهری در اغلب موارد زیاد شده است که این خود نشانه رفاه اقتصادی بیشتر جامعه است. پس هنگامی که در اینجا می‌گوییم سهم طبقه متوسط از درآمد ملی کاسته شده است یا اینکه این طبقه از نظر درآمد افت داشته است، موقعیت نسبی او را در نظر می‌گیریم. چه بسا طبقه متوسط نیز در این دوره با افزایش واقعی درآمد و رفاه مواجه بوده است اما هنگامی که موقعیت او را نسبت به گروه‌های درآمدی بالاتر و پایین‌تر می‌سنجیم به نتایج بالا می‌رسیم.

جدول ۷- شاخص نابرابری توزیع درآمد بین خانوارهای شهری (۷۱-۱۳۶۸) (درصد)

خانوارها / سال	۱۳۶۸	۱۳۷۱
سهم ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد	۱۴/۸	۱۶/۰۶
سهم ۴۰٪ خانوارهای با درآمد متوسط	۲۸/۱۳	۲۸/۶۸
سهم ۲۰٪ خانوارهای با درآمد بالا	۴۷/۰۷	۴۵/۲۶

منبع: مجله روند- نشریه علمی- تخصصی بانک مرکزی - پاییز و زمستان ۱۳۷۲

جدول ۸- سهم گروه‌های سه گانه درآمدی در مناطق شهری (۷۰-۱۳۶۸) (درصد)

خانوارها / سال	۱۳۶۸	۱۳۷۰
۴۰٪ گروه درآمد پایین	۱۴/۹۶	۱۵/۰۹
۴۰٪ گروه درآمدی میانی	۲۸/۰۶	۲۶/۰۸
۲۰٪ گروه درآمد بالا	۴۶/۹۸	۴۸/۸۳

منبع: گزارش در زمینه شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد در ایران «۷۰-۱۳۶۸ مرکز آمار ایران- دفتر حساب‌های اقتصادی ۱۳۷۱»

یافته است دلیل آن را باید بانگاہ به گروه دیگر طبقه متوسط یعنی طبقه متوسط قدیم جست که بیشتر متشکل از بازاریان، کسبه کوچک و تولید کنندگان مستقل و کوچک است. قاعدتاً انتظار داریم با آزادسازی و خصوصی سازی دوران تعدیل و افزایش قیمت کالاها، دارندگان این گونه مشاغل حداقل همپای افزایش تورم، افزایش درآمد داشته باشند. چرا که آنچه که تولید می کنند یا به فروش می رسانند کالا است و بازار آزاد شده قیمت آن را تعیین می کند اما کارمندان و طبقه متوسط جدیدی نیروی فکری و یا کاری خود را به فروش می رسانند و معمولاً قیمت کالای مورد فروش آنها به خصوص در دوران تعدیل زیر مهار قوانین است. یک نمونه از این تبعیض، مالیات گیری از افراد مختلف است. طبق جدول ۱۱- متوسط درصد تحقق مالیات بر حقوق طی برنامه اول ۱۵۶ درصد و همچنین متوسط درصد تحقق مالیات بر مشاغل طی همین مدت ۸۶ درصد یعنی کمتر از هدف برنامه بوده است.

در هر صورت، توجه به طبقات در ایران- به مفهوم امروزی آن - با آغاز دوران صنعتی شدن در دوره رضا شاه شروع شد، گرچه مانند بسیاری از مفاهیم که از غرب اقتباس شد خالص نبود منتها در هر حال شکل جهان سومی خود را داشت.

تاریخ چند ده ساله اخیر ایران نشانگر توجه طبقه حاکم به طبقه متوسط برای کسب مشروعیت سیاسی بوده است. مطمئن ترین جایگاه برای یافتن مشروعیت همواره نزد طبقه متوسط بوده است چرا که این طبقه حداقل در ایران رهبری جنبش های مخالف را به عهده داشته است. رژیم پهلوی (هم رضا شاه و هم محمد رضا شاه) این مشروعیت را از طبقه متوسط جدید گرفتند یا سعی داشتند که بگیرند. آنها با گسترش دیوانسالاری و افزایش مظاهر تمدن غرب سعی در جلب حمایت این گروه داشتند و این را به بهای فشار آوردن بر طبقه متوسط قدیم انجام دادند.

با رشد طبقه متوسط جدید و قدرت یافتن روز افزون آنها در دوره پهلوی، سایر گروه ها و طبقات اجتماعی شروع به کشیدن مرزهای مشخص برای تمایز با این طبقه کردند. حکومت پهلوی به دلیل ادعای گام نهادن در راه تمدن بزرگ به ناچار می بایست از گروه های جدید طبقه متوسط که مجری دولت و واسطه بین حکومت و مردم بودند حمایت می کرد. البته روی دیگر سکه این حمایت، کاهش اعتبار و منزلت اجتماعی سایر طبقات به خصوص طبقه متوسط قدیم بود.

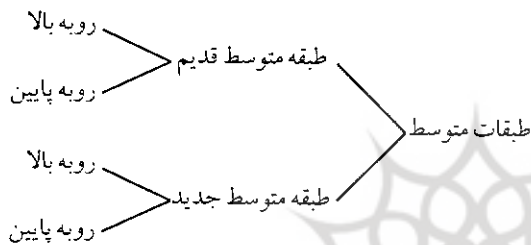
به همین خاطر طبقه متوسط قدیم عامل اصلی سرنگونی شاه شد. پس از انقلاب به نظر می رسد که عکس این جریان در حال انجام است، بدین ترکیب که بیشتر طبقه متوسط قدیم (به خصوص قشر روبه بالای آن) بال و پر گرفته است.

واقعیت این است که از لحاظ سیاسی در ایران با اهمیت ترین طبقه، طبقه متوسط است. این طبقه با وجود پیچیدگی و پراکندگی - معمولاً رهبری جریان های سیاسی را در قالب نیروهای مخالف به عهده داشته است، خواه به صورت غیر منسجم و غیر متشکل مانند حرکت هایی که از جانب بازار و با پشتیبانی

مردم صورت می گرفته است و خواه به صورت سازمان یافته و متشکل مانند حرکت هایی که در قالب سازمان های سیاسی غیر رسمی از جانب گروه های بالای طبقه متوسط جدید و روشنفکران هدایت می شد و دانشجویان و تحصیل کرده ها از آن حمایت می کردند.

جالب این است که در ایران طبقه متوسط جدید و طبقه قدیم در کل قدرت متوازی دارند و حمایت از یکی موجب برانگیختن دیگری خواهد شد. کاری که حکومت پهلوی انجام داد و خصومت طبقه متوسط قدیم را برانگیخت.

در حالی که گرایش طبقه متوسط قدیم به سمت توسعه صنعتی ضعیف تر است و گام نهادن در راه توسعه صنعتی برای کشور ضرورت حیاتی دارد، این هنر سیاستمداران کشور می باشد که راهی بین بال و پر دادن به طبقه متوسط جدید و راضی نگاه داشتن طبقه متوسط قدیم بیابند.



#### پی نویس ها:

- ۱- تعدیل ساختاری و تأثیر آن بر هزینه مصرف فقرا در شهر تهران - پایان نامه کارشناسی ارشد محمود نظری و ارقسانی، دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران
- ۲- علل بروز تورم و افسانه کمبود نقدینگی - دکتر محمد طبیبیان - روزنامه همشهری ۷۵/۲/۲
- ۳- مستندات برنامه دوم - جلد یازدهم - جدول ۷ عملکرد برنامه اول - سازمان برنامه و بودجه - ۱۳۷۳
- ۴- بخش غیر رسمی آن بخش از اقتصاد شهری در کشورهای در حال توسعه است که داری مشخصات زیر است:
  - ۱- رقابت محدود افراد ۲- واحدهای خرده فروشی و خدماتی کوچک ۳- استفاده از روش کاریر در انجام امور ۴- سطح پایین زندگی ۵- شرایط نامساعد کاری ۶- سطح پایین آموزش و بهداشت
- ۵- تعدیل اقتصاد کلان و رشد بلند مدت - سخنرانی دکتر محسن خان در بانک مرکزی ترجمه مؤسسه پولی و بانکی، ۱۳۷۱
- ۶- سیاست های تعدیل اقتصادی - پروانه کمالی دهکردی - مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی - ۱۳۷۲
- ۷- مستندات برنامه دوم ...
- ۸- البته باز باید تأکید کرد «با فرض صحت آمار» چرا که طبق آنچه گفتیم آخرین اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران در مورد ضریب جینی و سهم طبقات درآمدی، حکایت دیگری دارد و ما به سبب سازگی بیشتر از آمار بانک مرکزی استفاده کردیم.